

بررسی تطبیقی رویکردهای مبدعان اسلامی سازی دانشگاه در ایران*

نوروز هاشم‌زهی^۱

عباس خلجی^۲

چکیده

در این پژوهش منظور و ابعاد ایده اسلامی سازی دانشگاهها در نگاه مبدعان این ایده با استفاده از دوروش اسنادی و تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای رسیدن به این اهداف، در بخش اسنادی از اغلب اسناد مربوط به ادبیات و پیشینه پژوهشی داخلی و خارجی در ایران فیش برداری شده است. همچنین با روش تحلیل محتوی اطلاعات لازم بوسیله پرسشنامه معکوس از کلیه اسناد و نرم افزارهای مربوط به نظرات مبدعان پدیده اسلامی سازی دانشگاهها در کشور استخراج و مورد مقایسه قرار گرفته است. مطالعات اسنادی نشان می‌دهد، اسلامی سازی دانشگاه ایده کاملاً جدیدی نبوده و زیر مجموعه ایده مهندسی اجتماعی قرار می‌گیرد و با اسلامی شدن جامعه رابطه تنگاتنگی دارد. به لحاظ نظری هم اسلامی سازی و هم شقوق مغایر آن یک واقعیت اجتماعی است. ایده اسلامی سازی به معنای حاکمیت شناخت مذهبی و اسلامی بر دانشگاه و جامعه و رد سایر شناختها (غربی، غیرمذهبی، سکولار) با چالشی اساسی رو به رو است. تحلیل این پدیده، در چارچوب تئوریهایی صورت می‌پذیرد که تحلیل درون نهاد علم و همچنین روابط بین نهاد علم و سایر نهادهای اجتماعی را در دستور کار خود قرار دهد.

واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشجو، استاد، علم، اسلامی سازی، امام خمینی (ره)، آیت الله خامنه‌ای.

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۰۳/۲۴

* تاریخ دریافت: ۸۸/۰۹/۰۲۸

*. این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی «اسلامی سازی دانشگاه و گرایش دانشگاهیان» است که با حمایت معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها و توسط نویسندگان مقاله صورت گرفته است.

۱. دکترای جامعه شناسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و (نویسنده مسئول): آدرس: بین فلکه دوم و سوم تهرانپارس، روبروی مسجدالاقصی، ابتدای خیابان ۱۸۴ شرقی، ساختمان پویا، پلاک ۸، طبقه ۲، واحد ۴- مؤسسه کندوکاو
نمابر: ۷۷۸۱۳۷۹ Email: No_hashemzehi@yahoo.com

۲. دکترای علوم سیاسی، استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) و عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات اجتماعی کندوکاو.
Email: abbas.khalaji@gmail.com

۱. مقدمه

مسئله مداخله دولت در نهادهای اجتماعی و تنظیم روابط اجتماعی، بحثی قدیمی است. اینکه سامان جامعه بر پایه وفاق استوار است یا بر پایه تضاد و اینکه بین فرد و جامعه و میان نهادهای اجتماعی چه ارتباطی برقرار است، از اصول بنیادی تجویز سطح مداخله دولت در جامعه و دانشگاه به شمار می‌رود. هر دو مشرب توافق و تضاد به نحوی اصل مداخله را تجویز می‌کنند، اما سطح آن بر اساس نوع نگاه به فرد و جامعه متفاوت است. توافق‌گرایان بر مداخله در سطح اجتماعی و تنظیم روابط و تضادگرایان بیشتر بر مداخله اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک تأکید دارند. بر این اساس، گرایش لیبرال و رادیکال در عرصه نظریه‌پردازی شکل گرفته و از سوی برخی نظریه‌پردازان با ترکیب این دو، روشها و سطوح دیگری نیز پیشنهاد شده است.

ایده مهندسی جامعه و فرهنگ، دایره وسیع‌تری است که مهندسی و اسلامی‌سازی دانشگاه در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد. اسلامی‌سازی دانشگاه با اسلامی‌سازی جامعه، رابطه تنگاتنگی دارد. اگر خانواده، محله، دبستان، مدرسه، دبیرستان، اداره، تلویزیون، روابط اجتماعی، احزاب و گروههای سیاسی اسلامی باشند، دانشگاه نیز اسلامی خواهد بود و در غیر آن، دانشگاه هم اسلامی نخواهد بود. اسلامی‌سازی نهادهای مذکور آسان‌تر از اسلامی‌سازی دانشگاه است. با وجود این، به چه دلیل بیش از همه بر اسلامی‌سازی نهاد دانشگاه تأکید می‌شود؟ اگر نظام آموزش و پرورش اسلامی باشد، محصول آن که وارد دانشگاه می‌شود، اسلامی خواهد بود. در این صورت باید از ادامه روند اسلامی‌سازی در دانشگاه یا حفظ گرایش اسلامی افراد در دانشگاه و نه اسلامی‌سازی آن سخن گفت. بنابر این، می‌توان گفت در ایده اسلامی‌سازی دانشگاه، نوعی واقعیت‌گرایی سیاسی وجود دارد و بیشتر معطوف به اهداف سیاسی است.

ایده اسلامی‌سازی و امکان یا عدم امکان اسلامی‌سازی یا اسلامی شدن دانشگاه، پرسشی است که از نظر جامعه‌شناختی با چندین حوزه ارتباط پیدا می‌کند. یک تعبیر از اسلامی‌سازی دانشگاه این است که نهاد تعلیم و تربیت و جامعه علمی، با معرفتی مبتنی بر مذهب و دین سامان داده شوند و شناخت مذهبی بر آن حاکم، و جامعه بر اساس این شناخت اداره شود. در این صورت، پرورش اجتماعی نسلهای جامعه از طریق نظامی صورت می‌گیرد که مبنای آن، تعلیم و تربیت و علم مبتنی بر شناخت دینی و مذهبی است. تعبیر دیگر اسلامی‌سازی این است که علم و فرهنگ و نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه می‌تواند رنگ جامعه را به خود بگیرد. در این صورت، حوزه جامعه‌شناسی علم مطرح می‌شود و از تأثیر نهادها و ساختارها بر یکدیگر، به ویژه تأثیر جامعه بر علم سخن

می‌رود. بر پایه این تفسیر، اگر علم محصول محیط اجتماعی است، چنانچه محیط اجتماعی دین و مذهب مشخصی داشته باشد، رنگ و صبغه آن دین و مذهب به علم و دانشگاه منتقل می‌شود. تعبیر سوم اسلامی‌سازی، تبدیل دانشگاه به نظام ایدئولوژیک و هم‌جهت کردن آن با گرایش ایدئولوژیکی نظام سیاسی است.

در بینش جامعه‌شناختی، رویکرد منحصر به فردی به ایده اسلامی‌سازی دانشگاه و بررسی ارتباط اسلامی‌سازی دانشگاه با سایر نهادها و واقعیتهای اجتماعی وجود ندارد. بر این اساس، هم اسلامی‌سازی و هم شقوق مغایر آن، واقعیتهای اجتماعی می‌باشند. اگر ایده اسلامی‌سازی به این معنا در نظر گرفته شود که فقط شناخت مذهبی و مکتبی بر دانشگاه و جامعه حاکم شود و سایر شناختها و به ویژه شناخت علمی (غربی، غیرمذهبی، سکولار) مردود و محدود شود و دانشگاه دستگاه ایدئولوژیک نظام سیاسی شود، چنین رویکردهایی با چالش اساسی روبه‌روست. رابطه دانشگاه با جامعه و حکومت به یکی از مسائل اساسی پس از انقلاب اسلامی در ایران تبدیل شده و مقاله حاضر به ابعاد مختلف آن می‌پردازد. در این تحقیق، ابتدا پیشینه و ادبیات موضوع در ایران و جهان گزارش شده و سپس رویکرد نظری و مقصود و منظور طراحان ایده اسلامی‌سازی به صورت مقایسه‌ای بررسی و تبیین می‌شود.

۲. بیان مسئله

پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز دانشگاه انتظارات رهبران انقلاب اسلامی را فراهم نکرده و نقش مطلوبی در تربیت افراد و جامعه مورد نظر آنان نداشته است. شاید به همین دلیل، رهبری نظام در سال ۱۳۷۶ دوباره بحث اسلامی‌سازی دانشگاه را مطرح کردند. آیت‌الله مصباح یزدی بر این باور است که تلاش رهبری برای اسلامی‌سازی دانشگاهها جز چند صفحه کتاب، محصولی در بر نداشته و شورای عالی انقلاب فرهنگی، اسلامی‌سازی دانشگاهها را جدی نگرفته است (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵). حسن فیروزآبادی معتقد است، اسلامی‌سازی دانشگاهها هیچ وقت به ثمر نرسیده است (همان). به نظر حجت‌الاسلام صفوی نماینده رهبری در زنجان، دانشگاه اسلامی نیست. کتب دانشگاهی، تألیف غربیان و مبتنی بر اومانیسیم و انسان‌خدایی است و این نمی‌تواند دانشگاهها را اسلامی کند (همان). آیت‌الله نوری همدانی معتقد است در سالهای گذشته، فضای غرب‌گرایی بر دانشگاهها حاکم بوده است. آیت‌الله جوادی آملی نیز این عدم موفقیت را با این گزاره بیان می‌کند که دانشجویان ما با نماز وارد دانشگاه می‌شوند و بی‌نماز بیرون می‌آیند. (همان)

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ♦ ۷

جنبش دانشجویی تا سال ۱۳۶۸ بازوی اجرایی نظام بود و از آن پس، انقطاع احساسی، سیاسی و فرهنگی میان آن و نظام به وجود آمد. جنبش دانشجویی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، گفتمان انتقاد از نظام، سیاستها و مسئولان آن را در پیش گرفت و پس از سال ۱۳۷۲، شعارهای آنان از عدالت خواهی و مبارزه با استکبار، به سوی آزادی، جامعه مدنی و لیبرالیسم و عرفی‌گری سوق یافت. در نتیجه، گفتمان اسلام‌گرایی در میان دانشجویان تضعیف و شرایط مناسبی برای سلطه گفتمان لیبرالیسم بر فضای جنبش دانشجویی فراهم شد.

پیدایش هویت‌های غیر مذهبی مانند تجدیدگرایی، لیبرالیسم و سکولاریسم، پلورالیسم، مارکسیسم و قوم‌گرایی، از دیگر دلایل ناکامی در اسلامی‌سازی دانشگاه است. ارزشهای فرهنگی (مادی و غیر مادی) دانشجویان، مغایر با اهداف نظام است. در طول سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۰ تنها ۴۸٪ از دانشجویان به سیاست علاقه نشان می‌دادند (همان، ص ۲۲۹). تنها ۶۰٪ از دانشجویان اظهار داشتند که به فرایض دینی عمل می‌کنند (زیباکلام، ۱۳۸۰، ص ۹). پایبندی به دین در میان دانشجویان به سستی گراییده است؛ در حالی که دینداری ۴۵/۲۵٪ از دانشجویان در حد متوسط است، دینداری ۴۱/۵٪ از آنها در حد کم و تنها ۱۳/۲۵٪ در حد زیاد است. در کنار کاهش کلی تعلق دانشجویان به دین، نوع نگرش آنها نیز در حال تغییر است. ۹۱/۳۷٪ از دانشجویان دارای دینداری باطنی، ۳۳/۷۷٪ دارای دینداری شریعتی و ۲۸/۳۲٪ دارای دینداری اجتماعی هستند؛ یعنی دانشجویان از خصوصی و فردی شدن دین استقبال می‌کنند؛ در حالی که در چند سال قبل و بعد از انقلاب، دینداری ایدئولوژیک در میان دانشجویان غالب بود. بعد از جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی، دینداری شریعتی ظهور بیشتری داشته و در دوران اخیر دینداری باطنی که نشانگر فردی و درونی شدن دینداری است، غالب می‌باشد. به طور مثال، ۴۹/۴٪ از دانشجویان اصلاً در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند؛ در حالی که ۲۶/۴٪ آنها کم و ۲۰/۴٪ به میزان زیاد در نماز جماعت شرکت می‌کنند، ۴۱/۵٪ آنها اصلاً در مجالس دعا شرکت نمی‌کنند، ۳۳/۵٪ کم، ۲۰/۵٪ متوسط و تنها ۴/۵٪ به میزان زیاد در این مراسم شرکت می‌کنند. ۸۱/۲٪ اصلاً در مراسم اعتکاف شرکت نمی‌کنند، ۹/۸٪ آنها کم، ۶٪ متوسط و تنها ۳٪ به میزان زیاد در آن شرکت می‌کنند. ۷۵/۲٪ از دانشجویان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند و ۱۸/۳٪ کم، ۵/۱٪ متوسط و تنها ۱/۲٪ به میزان زیاد در نماز جمعه شرکت می‌کنند. (حبیب‌زاده خطبه‌سرا، ۱۳۸۰، به نقل از گلکار، ۱۳۸۷)

طبق پژوهش دیگری، در سال ۱۳۷۹ بیش از ۵۳/۳٪ از دانشجویان با تلقی سنتی و نص‌گرایانه

مخالف بودند؛ در حالی که تنها ۲۸/۸٪ موافق و ۱۷/۹٪ در این مورد بی نظر بودند. به عبارت دیگر؛ تنها ۱/۴٪ جمعیت نمونه (حدود ۲۵٪) با تلقی سکولار از دین به معنای محدود شدن آن به قلمرو شخصی، مخالف بوده و ۷۵٪ با این نوع نگاه موافقت کردند. در همین حال، بیش از ۷۱٪ از دانشجویان، مخالف مناسک گرای و تنها ۲۸/۹٪ با آن موافقت کردند. (رجب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۲)

در تحقیق مشابهی، گرایشهای مذهبی دانشجویان ایران اینگونه گزارش شده است: ۳۳/۴٪ همیشه روزه می‌گیرند، ۵۱/۲٪ گاهی، ۱۱/۳٪ به ندرت و ۱/۷٪ هرگز روزه نمی‌گیرند و با افزایش ترم تحصیلی، انجام فریضه روزه کاهش می‌یابد. ۳۷/۵٪ همیشه نماز می‌خوانند، ۷۴/۴٪ گاهی، ۱۱/۱٪ به ندرت و ۱/۵٪ هرگز، با افزایش ترم انجام فریضه نماز کاهش می‌یابد. ۵/۴٪ همیشه در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، ۳۸/۱٪ گاهی، ۴۵/۹٪ به ندرت و ۸/۲٪ هرگز و با افزایش ترم، شرکت در مراسم مذهبی کاهش می‌یابد. ۴/۶٪ همیشه نماز جمعه می‌روند، ۳۲/۵٪ گاهی، ۴۵٪ به ندرت و ۱۲/۴٪ هرگز و با افزایش ترم، شرکت در نماز جمعه کاهش می‌یابد. ۴۷/۷٪ به زیارت اماکن مذهبی می‌روند، ۴۰/۵٪ گاهی، ۴۴/۳٪ به ندرت و ۷/۷٪ هرگز و با افزایش ترم تحصیلی، رفتن دانشجویان به زیارت اماکن مذهبی کاهش می‌یابد. ۴۵/۳٪ از دانشجویان نذر می‌کنند، ۳۸/۶٪ گاهی، ۳۰/۹٪ به ندرت و ۱۲/۴٪ هرگز و با افزایش ترم، نذر کردن کاهش می‌یابد. ۱۹/۳٪ اعتقاد به حجاب دارند، ۴۰٪ گاهی، ۲۵/۹٪ به ندرت و ۱۰/۸٪ هرگز و با افزایش ترم، اعتقاد به حجاب کاهش می‌یابد. ۱۷/۶٪ از دانشجویان دارای امتیاز اعتقادات بالای مذهبی و ۶۶٪ متوسط می‌باشند. (عبدالمطلب و جعفریان، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲-۱۵۹)

تحلیل کلی آمارهای فوق نشانگر کاهش گرایش دانشجویان به دین در دوران دانشجویی است. در واقع؛ گرایش آنان به سوی نوعی دینداری فردی، خصوصی، عرفانی و باطنی است که با کدهای رسمی دینداری؛ یعنی دینداری اجتماعی، ایدئولوژیک و شریعت‌گونه که دین را در انجام مناسک، حفظ ظواهر و در سطح اجتماعی و سیاسی می‌بینند، در تعارض قرار دارد.

طبق آمار جدیدتری که معاونت فرهنگی وزیر علوم دولت نهم بیان کرده است، باورهای دینی دانشجویان و رابطه آنان با دین، پس از ورود به دانشگاه کم‌رنگ‌تر می‌شود. به طوری که در هنگام ورود، ۲۲٪ از پرسش‌شوندگان از لحاظ دینی بسیار قوی، ۷۵٪ متوسط و ۳٪ ضعیف ارزیابی شده‌اند؛ در حالی که در هنگام دانش‌آموختگی، این نسبت به ۱۸٪ قوی، ۵۷٪ متوسط و ۲۵٪ ضعیف تغییر می‌کند. به عبارتی؛ نهاد دانشگاه نتوانسته دانشجویان را از نظر باور مذهبی و

۹ **بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران**

ارزشهای دینی در جهت خواست نظام نگاه دارد. حتی به صورت متناقض‌نمایی آنان را به سوی تضعیف باورهای دینی و گرایش به سمت دینداری عرفانی و باطنی سوق می‌دهد؛ جهت‌دهی‌ای که عملاً در روند بازتولید مشروعیت نظام سیاسی اخلال ایجاد می‌کند. به تعبیر دیگر؛ به نظر می‌رسد که فرایند اسلامی‌سازی دانشگاهها، مانند کلیت جامعه به نحو تناقض‌آمیزی باعث سکولار شدن دانشجویان شده است (Kazempour, 2003, P.347). البته تحوّل و دگرگونی ارزشها و کاهش اهمیت ارزشهای غیرمادی و افزایش اهمیت ارزشهای مادی در جامعه ایران فرایندی است که فقط به دانشگاه محدود نمی‌شود.

علی‌اکبر نوایی در پاسخ به این پرسش که آیا دانشگاه از مذهب فاصله گرفته است، پاسخ مثبت می‌دهد و می‌نویسد: در فضای دانشگاه، اسلام به عنوان تعیین‌کننده اصلی مسیر در نیامده و تعیین‌کننده گرایشها، قضاوتها، عملکردها و تجزیه و تحلیلها نمی‌باشد (نوایی، ۱۳۸۴، ص ۴۷). گرایش روزافزون دانشجویان به سمت سکولاریزم به حدّی است که برخی، سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ را دوران دیکتاتوری سکولارها نامیده‌اند. به نظر آنان در این دوران، دانشجویان و به ویژه انجمنهای اسلامی دانشجویان، اندک اندک به استقبال اندیشه‌های بسته‌بندی شده سکولار رفته و به جای پافشاری بر هویت اسلامی و ملی خویش، دین را آفتی برای عرصه جامعه و سیاست معرفی کردند و عرفی‌گرایی را مسلک خود قرار دادند. علائم و نمادهای زیادی نشان از آن دارد که انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و حوادث پس از آن نیز به رابطه دانشگاهیان و جنبش دانشجویی با نظام آسیب وارد کرد. با توجه به آنچه در روند تحوّل گرایشهای دانشگاه و دانشجویان دیده می‌شود، در این مقاله با این سؤال روبه‌رو هستیم که منظور از اسلامی‌سازی دانشگاه و ابعاد مفهومی ایده آن از نظر طراحانش چیست و رویکرد نظری آنها چه تفاوتها و اشتراکاتی دارد؟

۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تصمیم انقلابیون برای تحوّل فرهنگی در جامعه و اسلامی‌سازی دانشگاهها می‌گذرد، اما هنوز نه دانشگاهها به معنای مورد نظر آنان اسلامی شده و نه مفهوم و منظور از آن به درستی مورد بررسی و کنکاش علمی و همه‌جانبه قرار گرفته است. به همین دلیل، ارزیابی میزان دستیابی به این هدف با مشکلات بسیاری مواجه است. از نگاه طراحان ایده اسلامی‌سازی دانشگاهها، این طرح مسیری متفاوت از مسیر فکری مبدعان خود در پیش دارد.

نظام اسلامی به رغم تأسیس دهها نهاد و تشکل و سازمان در درون دانشگاه، توفیق قابل قبولی در اسلامی سازی آن نداشته است. بنابر این، انجام این پژوهش، ضرورت کاربردی دارد. با این حال، تحقق اسلامی سازی دانشگاهها، در وهله نخست نیازمند شناسایی ذهنیت طراحان این مفهوم و ابعاد متنوع آن است.

۴. پیشینه اسلامی سازی دانشگاه

ایده اسلامی سازی دانشگاه قدمتی فراتر از عمر جمهوری اسلامی ایران دارد. دانشگاههای ایران و اغلب کشورهای اسلامی بر اساس الگوهای غربی بنا شده‌اند. در مقابل، نهادهای آموزشی بومی - مذهبی این کشورها به طور خودجوش فرایند تحول به یک نهاد مدرن را پشت سر نهاده و به دانشگاه تبدیل نشده‌اند. لذا تعارض میان نهادهای آموزشی مذهبی و غیر مذهبی، ریشه‌ای کهن دارد.

۴-۱. فرایند اسلامی کردن دانشگاه در ایران

گفتمان مقاومت در برابر گسترش فرهنگ غرب با عناوینی چون: «استقلال»، «احیا» و «حفظ هویت»، در دوره معاصر رشد کرده است. در جوامع شرقی و کشورهای اسلامی، به ویژه در ایران، تقابل فرهنگ بومی (ایرانی - اسلامی) و فرهنگ غربی از چالشهای عمده ۲۰۰ سال اخیر به شمار می‌رود (خان‌محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۶-۸۱). پس از پیروزی انقلاب و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی بر ایران، فرصت تاریخی مناسبی برای پیگیری آرمان تاریخی نیروهای مذهبی و روحانیت مبنی بر حاکمیت فرهنگ اسلامی بر مدارس و دانشگاههای کشور فراهم آمد. اسلامی سازی مدارس با توجه به ساختار موجود آموزش و پرورش کار چندان مشکلی به نظر نمی‌آمد. اما پیگیری این اندیشه مذهبی و انقلابی در عرصه دانشگاهها کار ساده و آسانی به نظر نمی‌رسید. مطالعه فرایند اسلامی سازی دانشگاهها نیز این پیش‌بینی اولیه را تأیید می‌کند. اهمیت فوق‌العاده دانشگاه در ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور، ضرورت اسلامی کردن آن را بیشتر می‌کرد؛ زیرا دانشگاه به مثابه عالی‌ترین جایگاه تبلور اندیشه‌ها و تعالی افکار، مناسب‌ترین بستر پدیدار شدن خلاقیت و نوآوری جوانان و دستیابی به بلندترین قله‌های علوم و فنون و مطلوب‌ترین سنگر پاسداری از ارزشها، بیشترین مسئولیت را در اصلاح و هدایت جامعه بر عهده دارد. بنابر این، امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر دانشگاه اصلاح شود، جامعه اصلاح می‌شود». ایشان مسائل دانشگاه را از مسائل اساسی کشور تلقی می‌کردند. حضرت امام (ره) بارها با تأکید بر اینکه تباهی و سعادت یک ملت در

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ۱۱

دست دانشگاه است، توجه به دانشگاه را اولویت مهم مسئولان نظام می‌دانستند (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۴۰). پس از پایان جنگ و با شروع دوران سازندگی، رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۴ انقلاب فرهنگی و اسلامی کردن دانشگاه‌های کشور را دوباره مطرح کردند (همان، صص ۸۷-۸۶). فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها همواره پیگیری شده و به طور کلی، گام‌های اساسی در فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها را به صورت ذیل می‌توان ترسیم کرد:

- الف) موج اول اسلامی کردن دانشگاه‌ها با اعلام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها شروع شد و با تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ادامه یافت. ستاد انقلاب فرهنگی در راستای اهداف خویش، به تأسیس کمیته اسلامی کردن دانشگاه‌ها، حوزه اجرایی دانشگاه‌ها و حوزه تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی اقدام کرد. تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی و تداوم روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در جهت تقویت موج نخستین بود.
- ب) موج دوم اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دهه دوم انقلاب اسلامی و در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شد که تأسیس شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، از فعالیتهای عمده آن به شمار می‌رود.
- ج) موج سوم اسلامی کردن دانشگاه‌ها در میانه دهه سوم انقلاب ایجاد شد که مصادف با حاکمیت اصول‌گرایان بر قوه مجریه و نظام آموزشی کشور بود.

۲-۴. رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب اسلامی

دوره‌های گفتمانی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب به ترتیب ذیل قابل طبقه‌بندی است:

الف) دانشگاه به مثابه اتاق جنگ: رابطه دولت و دانشگاه از همان ابتدا چالش برانگیز بود؛ دانشگاهی که از سنگر آزادی از یوغ نظام شاهنشاهی پهلوی به مرکز فرماندهی، اتاق جنگ و ستاد عملیاتی گروه‌های سیاسی مسلح، مانند سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق تبدیل شده بود. در واقع؛ دانشگاه‌های کشور به یکی از پرحرارت‌ترین و سیاسی‌ترین مراکز فعالیت سیاسی در عرصه جامعه تبدیل شده بودند (گلکار، ۱۳۸۷، صص ۷۵-۷۴). دانشگاه عملاً به صحنه رویارویی گروه‌های سیاسی رقیب تبدیل شده بود و جریان‌ات دانشجویی نقش بازوی اجرایی سازمان‌های چریکی و مسلح را ایفا می‌کردند. بنابر این، مهار آن به منزله حفاظت از انقلاب اسلامی تلقی می‌شد که اندیشه تعطیلی دانشگاه‌ها به منظور کنترل این جریان قوت گرفت و نسبت به آن اقدام شد.

ب) انقلاب فرهنگی: با تشدید فعالیتهای سیاسی در درون دانشگاه، زمزمه تعطیلی دانشگاهها و ایجاد تغییرات بنیادین در نظام آموزشی بیشتر شد تا شرایط لازم برای پاکسازی مخالفان و کنترل دانشگاه فراهم آید. «در کنار بخشی از حاکمیت که به شدت خواهان کنترل مراکز آموزشی بودند، گروهی از دانشجویان وفادار نظام نیز که تحت عنوان انجمنهای اسلامی شناخته می شدند، از این طرح استقبال کردند». (همان، ص ۷۹)

ج) تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی: با توجه به اهمیت دانشگاه و ضرورت بازسازی نظام آموزش عالی و اسلامی کردن دانشگاهها، امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر کردند و آقایان: محمدجواد باهنر، مهدی ربانی املشی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال الدین فارسی، حسن حبیبی و علی شریعتمداری را به عضویت آن درآوردند تا با گردآوری افراد صاحب نظر، مؤمن و متعهد به مبانی نظام جمهوری اسلامی برای برنامه ریزی آموزشی و تدوین خط مشی های فرهنگی اقدام کنند: «دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامی به انتخاب و آماده سازی اعضای هیئت علمی شایسته و متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزش اسلامی اقدام نمایند» (دانشگاه و دانشگاهیان از نظر امام، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹). این ستاد طبق فرمان امام و در راستای اسلامی کردن دانشگاهها، فعالیت خود را بر سه محور اعضای هیئت علمی، دانشجو و محیط دانشگاه متمرکز کرد. (بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۴)

د) تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی: ترمیم ستاد انقلاب فرهنگی باعث تقویت بیشتر آن شده بود. اما شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۹/۱۹ به دنبال حکم حضرت امام (ره) تشکیل شد تا دولت را در روند اسلامی شدن دانشگاهها یاری دهد. این شورا در راستای گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه، در حوزه دانشگاه بر دو نکته تأکید داشت؛ نخست، تزکیه محیط های علمی و فرهنگی از افکار مادی و فرهنگ غربی و دوم، تحول دانشگاه و مدارس و مراکز فرهنگی هنری بر اساس فرهنگ اسلامی. (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۰)

ه) اسلامی سازی دانشگاهها در دهه دوم انقلاب اسلامی: پایان جنگ تحمیلی و ارتحال حضرت امام (ره)، دوره تاریخی جدیدی را برای جامعه رقم زد؛ زیرا گفتمان بوروکراتیک و فن سالارانه دولت هاشمی، لزوم سازندگی کشور و بازسازی ویرانی های جنگ، کنترل نرخ بالای رشد جمعیت و تنش زدایی در سیاست خارجی و ...، ضرورت سیاست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعادلی را ایجاب می کرد. نظام آموزشی که یک دهه رکود و بی توجهی را پشت سر

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ۱۳

نهاده بود، نیازمند بازسازی و ارتقای کمی و کیفی بود تا پاسخگوی تقاضای روزافزون ورود جوانان به دانشگاهها باشد. بنابر این، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سطح کشور گسترش کمی بسیاری یافت. علاوه بر افزایش سریع شاخصهای کمی نظام آموزش عالی، نگاه دولتمردان به دانشگاه تحت تأثیر گفتمان مسلط سازندگی و دوری تدریجی از فضای ایدئولوژیک - آرمان‌گرایانه اوایل انقلاب تغییر یافت؛ به گونه‌ای که به دانشگاه صرفاً به عنوان یک کارخانه نیروسازی و بنگاه علمی نگاه می‌شد. به عبارت دیگر؛ «از دید این بخش از حاکمیت، دانشگاه بیشتر از آنکه دستگاهی برای جامعه‌پذیری سیاسی افراد باشد، دستگاه تأمین‌کننده نیروی انسانی ماهر بود» (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۴). بنابر این، توجه به کارکردهای آموزشی دانشگاه به جای کارکردهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک آن باعث شد که عملاً بحث انقلاب فرهنگی و اسلامی شدن دانشگاهها به فراموشی سپرده شود. از این رو، نگرانی دور شدن از فرایند اسلامی شدن در دانشگاهها و طی روند معکوس و رو به قهقرا رفتن دانشگاهها تشدید شد (نبوی، ۱۳۸۰، ص ۲۶). روند فاصله گرفتن دانشگاهها از آرمانهای نظام به حدی نگران‌کننده بود که رهبر انقلاب خواستار اسلامی شدن مجدد دانشگاهها شدند.

و) تأسیس شورای اسلامی‌سازی مراکز آموزشی: نارضایتی و انتقاد رهبری نظام از کارکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی، باعث ترمیم آن در سال ۱۳۷۵ شد و تأکیدات و پیگیری‌های جدی ایشان باعث تشکیل شورای ویژه ای برای پیگیری منویات ایشان در ۷۶/۵/۱۴ در راستای اسلامی‌سازی دانشگاهها و مراکز آموزشی گردید. این «شورای ویژه» در جلسه مورخه ۷۷/۵/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیین‌نامه شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی را تصویب کرد.

ز) اصول‌گرایان و اسلامی کردن دانشگاهها: با حاکمیت اصول‌گرایان بر قوه مجریه، موج سوم اسلامی کردن دانشگاهها با هدف توسعه و تعمیق اهداف و سیاستهای کلان نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظام آموزشی کشور آغاز شد. در این دوره، اصول و سیاستهای پیشین نظام با شدت و حدت بیشتری پیگیری و در این راستا، به نهادهای متولی اسلامی‌سازی دانشگاهها امکانات و اختیارات بیشتری اعطا شده است.

۳-۴. کامیابی و ناکامی در اسلامی کردن دانشگاه

در طول سه دهه گذشته، برخی از ابهامات ایده اسلامی کردن دانشگاهها آشکار شده است که بر محور آنها می‌توان به ارزیابی در باره موفقیت دولت پرداخت:

الف) فقدان اجماع نظر درباره شاخصهای اسلامی سازی دانشگاهها؛
ب) فقدان مدیریت واحد و وجود نهادهای موازی برای اسلامی کردن دانشگاهها؛
ج) اولویت بندی نشدن مؤلفه های مختلف در زمینه اسلامی کردن دانشگاهها؛
د) عدم کسب نمره مطلوب در نیل به اهداف سیاست گذاری شده؛ به گونه ای که در مقایسه با راهبردهای مصوب، اجرای این ایده ثمرات قابل توجهی در پی نداشته است.
ه) گرفتاری ایده اسلامی کردن دانشگاه در پیچ و خم اداری و موانع دیوان سالاری کشور که با فرسایش اداری باعث عدم تحقق اهداف آن شده است. (خان محمدی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۲-۱۲۱)
برخی از ارزیابی ها نیز نشان می دهد که اکتفا به ظواهر دینی، تأکید صرف به تهذیب، اداره مساجد و غفلت از آموزش عمیق و تخصصی آموزه های دینی در دانشگاهها، از جمله عوامل عدم موفقیت ساختارهای اداری در مسیر اسلامی کردن دانشگاههاست (علی احمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۳). برخی مطالعات موردی درباره ارزیابی عملکرد دانشگاه اسلامی در سطح آموزش عالی نتایج مثبتی را نشان نمی دهد.

- فقدان دیدگاه جامع نسبت به آموزش عالی اسلامی و شیوه گسترش آن؛
- عدم توانایی در اصلاح نظام مدیریت و برنامه ریزی امور اسلامی دانشگاهها؛
- اتکای بیش از حد به تشکلهای محدود دانشگاهی؛
- فقدان نظام جامع ارزیابی درونی و بیرونی؛
- فقدان استقلال در اداره امور اسلامی دانشگاهها؛
- افزایش پرسشهای چالشی در امور اسلامی کردن دانشگاهها؛
- عدم پذیرش نقش پیشبردی دانشگاهها در اشاعه علم اسلامی؛
- فقدان زمینه لازم برای افزایش مشارکت اسلامی همه دانشجویان؛
- عدم تمایل خانواده ها نسبت به مشارکت فرزندانشان در امور اسلامی دانشگاهها؛
- تراکم شدید تقاضای اجتماعی نسبت به آموزش عالی؛
- ضعف نظام پاسخگویی در باره روند اسلامی شدن دانشگاهها؛
- ترکیب نامناسب، ناکافی، غیرمنعطف و تمرکز شدید در تصمیم گیری امور اسلامی دانشگاهها؛
- روند رو به رشد تقاضای زنان و افزایش سهم زنان و کاهش مشارکت مردان برای کسب آموزش عالی؛

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ۱۵

– حجم بالای نیروی انسانی جوان و منابع انسانی وافر کشور که به طور مناسب مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

در کنار این عوامل، ضعف منطق تبلیغی و نارسایی دستگاه تبلیغات دینی در درون دانشگاه نیز موجبات ناکامی در روند اسلامی کردن دانشگاه را فراهم ساخته است. (کاشانی، ۱۳۸۴، صص ۴۴-۴۵)

با توجه به این ناکامی، مطالعات آسیب‌شناختی، عوامل گوناگونی برای کم‌رنگ شدن مبانی دینی اسلامی در دانشگاه ارائه داده‌اند: حاکمیت تفکر تعارض علم و دین؛ ایجاد یا القای شبهه نسبت به مبانی دینی؛ فاصله گرفتن از مبانی اسلامی و رویکرد به علوم تجربی؛ نقش ضعیف استادان در تغذیه فکری دانشجویان؛ عدم توجه به عناصر مؤمن در رده‌های مدیریتی دانشگاه که تاکنون بی‌ثمر بوده است. به طور طبیعی، برخی از این عوامل حالت بنیادین دارند و برخی دیگر در رتبه‌های پایین‌تری قرار می‌گیرند (پاره‌ای از عوامل کم‌رنگ شدن مبانی دینی در دانشگاهها، ۱۳۸۱، صص ۵۵-۳۹). برخی دیگر نیز با برشمردن وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها، به طور تلویحی ناکارآمدی آن را به تصویر می‌کشند. این وظایف عبارتند از:

۱. گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون مختلف جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی جامعه؛
۲. تحوّل دانشگاهها و مراکز فرهنگی - هنری بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش و تقویت آنها به کمک متخصصان متعهد و معتقد به اسلام و استقلال کشور؛
۳. تعمیم و گسترش سواد و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال فرهنگی و علمی؛
۴. حفظ و احیا و معرفی آثار و مآثر اسلامی و ملی. (کاشانی، ۱۳۸۴، صص ۲۳-۲۲)

تجربه سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تنها ساختارهای اداری پاسخگوی نیازها نبوده و نظام سیاسی باید از تشکلهای و نیروهای دانشجویی خودجوش بهره‌گیری کند (هاشم‌زهی، ۱۳۸۰، ص ۶۸). هدف اساسی نظام سیاسی از اسلامی کردن دانشگاه، به تعبیر امام خمینی (ره) «انسان‌سازی» بود. انسانی که «معتقد به خدا»، «متعهد»، «امین» و «مؤمن» باشد. در واقع؛ انسان آرمانی، دانشجویی بود که در راستای اهداف نظام حرکت کرده، نسبت به انقلاب، دین و نظام سیاسی تعلق خاطر داشته باشد. در راستای این هدف، دولت با طرح مفاهیمی چون: «انقلاب فرهنگی» و «اسلامی‌سازی دانشگاهها»، تلاش کرد دانشگاه را به دستگاه ایدئولوژیک خود تبدیل

سازد؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین کارکرد آن تولید «انسانی» باشد که همسو با جهت‌گیری ارزشی نظام اسلامی حرکت می‌کند. در واقع؛ نظام دانشگاه را به مثابه دستگامی می‌داند که وظیفه‌اش، کنترل و هدایت دانشجویان و القای ایدئولوژی و ارزشهای نظام به آنهاست. به طوری که در هنگام دانش‌آموختگی، ارزشهای مذکور را درونی کرده، همسو با اهداف نظام حرکت کنند. به همین دلیل، برای بررسی میزان کامیابی یا ناکامی دولت در تبدیل دانشگاه به دستگام ایدئولوژیک یا اسلامی‌سازی دانشگاهها باید میزان موفقیت یا عدم موفقیت دولت در همسو کردن دانشجویان با اهداف نظام و درونی کردن ارزشهای نظام سیاسی میان این گروه را بررسی کرد. یکی از روشهای مناسب این سنجش، بررسی و مطالعه جنبش دانشجویی در دوره‌های متفاوت و سنجش میزان فاصله آن با نظام سیاسی موجود است. به بیان دیگر؛ در حالی که تبعیت، دنباله‌روی و عدم استقلال جنبش دانشجویی از نظام سیاسی، نشانه‌ای از موفقیت دولت در تبدیل دانشگاه به دستگام ایدئولوژیک است، فاصله‌گیری نظری و عملی و استقلال آن از نظام سیاسی، نمایانگر ناکارآمدی دولت در این امر می‌باشد.

۵. مباحث روشی تحقیق

با در نظر گرفتن ماهیت موضوع پژوهشی و اهداف آن، این مطالعه در قالب پژوهشهای کاربردی و توسعه‌ای و با استفاده از روش تحلیل محتوا و روش اسنادی صورت گرفته است. تحلیل محتوا روشی است که به کمک آن و با تکنیک پرسشنامه معکوس، مفهوم و منظور از اسلامی‌سازی دانشگاه از درون آثار امام خمینی (ره) و رهبری نظام به صورت کمی استخراج شده است. در جدول ذیل، مهم‌ترین ابعاد و مقولات تحلیل محتوا نشان داده می‌شود.

مقولات	ابعاد
دانشگاه مستقل از غرب	دانشگاه
دانشگاه اسلامی	
دانشگاه خدمت‌کننده به مردم ایران	
دانشگاه مذهبی	
دانشگاه محل تحصیل و تهذیب	
دانشگاه متعهد به نظام جمهوری اسلامی	
دانشگاه نوآور	

ابعاد	مقولات
	<p>دانشگاه استکبارستیز</p> <p>دانشگاهی که ارزشهای دینی بر آن حاکم باشد</p> <p>دانشگاه برخوردار از تعمق و ژرف‌نگری</p> <p>دانشگاه برخوردار از سرعت عمل</p> <p>دانشگاهی که در آن تضارب آرا و افکار با سعه صدر توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که در آن توجه به دنیا و آخرت توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که در آن علم و دین توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که در آن کار سیاسی با سلامت نفس توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که در آن وحدت هدف با تنوع رشته‌ها توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که در آن اخلاق با تلاش توأم باشد</p> <p>دانشگاهی که به وسیله آن همه مشکلات جامعه حل شود</p> <p>دانشگاهی که به وسیله آن فرهنگ مستقل شود</p> <p>دانشگاهی که به وسیله آن کشور نجات پیدا کند</p> <p>دانشگاهی که به وسیله آن کشور اصلاح شود</p> <p>دانشگاه غیر اسلامی مصیبت به بار می‌آورد</p> <p>با دانشگاه غیر اسلامی همه چیز از بین می‌رود</p> <p>دانشگاه مبداء همه تحولات است</p> <p>دانشگاه در رأس امور است</p> <p>دانشگاه مبداء تعیین سرنوشت است</p>
دانشجو	<p>دانشجوی مذهبی و مکتبی</p> <p>دانشجوی متعهد به مردم ایران</p> <p>دانشجوی مستقل</p>
	<p>دانشجوی نوآور</p> <p>دانشجوی متعهد به نظام جمهوری اسلامی</p> <p>دانشجوی استکبارستیز</p>
استاد	<p>استاد مذهبی و مکتبی</p> <p>استاد متعهد به مردم ایران</p> <p>استاد مستقل</p> <p>استاد نوآور</p> <p>استاد متعهد به نظام جمهوری اسلامی</p> <p>استاد استکبارستیز</p>

مقولات	ابعاد
علم اسلامی علم بومی علم مذهبی علم مستقل علم مفید برای مردم ایران	علم

با استفاده از روش اسنادی، ادبیات و پیشینه نظری و پژوهشی پدیده اسلامی سازی دانشگاهها در ایران، ارتباط جامعه با علم و دانشگاه با تکنیک فیش برداری، مطالعه و بررسی شده است. دو مجموعه اسناد، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می دهند که عبارتند از:

الف) تمام اسناد و مکتوبات مربوط به ادبیات و پیشینه نظری و پژوهشی پدیده اسلامی سازی دانشگاهها در ایران و ارتباط جامعه با علم و دانشگاه در داخل و خارج از ایران.

ب) تمام اسناد و مکتوبات مربوط به نظرات مبدعان بحث اسلامی سازی دانشگاهها در کشور. در کاربرد روش اسنادی، نیازی به تعیین حجم نمونه و اعمال روشهای نمونه گیری نبود و همه اسناد مربوط به اسلامی سازی دانشگاه مورد مطالعه قرار گرفت و اطلاعات مورد نیاز استخراج شد. در بخش تحلیل محتوا نیز واژه ها یا مقولات این پژوهش در همه سخنرانی های امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای از طریق نرم افزارهای مربوط همه شماری شدند. واحد تحلیل در بخش تحلیل محتوا، جملات و مضامین امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری درباره دانشگاه اسلامی و بحث اسلامی سازی دانشگاهها به شمار می رود. هر سند و مکتوب مربوط به ادبیات و پیشینه نظری و پژوهشی پدیده اسلامی سازی دانشگاهها در ایران و ارتباط جامعه با علم و دانشگاه در داخل و خارج از ایران، واحد تحلیل مطالعه در بخش مطالعه اسنادی است.

۶. نتایج تحلیل محتوا

شناخت ابعاد مفهومی و نظری و منظور طراحان ایده اسلامی سازی دانشگاهها و شناخت تفاوتها یا تشابهات بین گرایش دانشگاهیان با ذهنیت مبدعان اسلامی سازی دانشگاهها نسبت به این موضوع و همچنین دستیابی به شاخصهای اسلامی سازی دانشگاه از نظر طراحان این مفهوم و تقویت پیشینه موضوع، رجوع به آرا و اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای را

ضروری می‌سازد. بدین منظور، با توجه به کاربرست روش تحلیل محتوا، در این پژوهش از تکنیک پرسشنامه معکوس استفاده شد. بنابر این، با مراجعه اولیه به آثار کتبی و شفاهی مبدعان و مطالعه و مقوله‌بندی و دسته‌بندی برخی واژگان کلیدی و مفاهیم اصلی حوزه اسلامی‌سازی مراکز آموزش عالی کشور، نسبت به جستجوی کمی مقوله‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای موجود؛ یعنی نرم‌افزار «صحیفه امام - نسخه سوم» و «حدیث ولایت» مبادرت شد تا بر اساس واژه‌های گردآوری شده و معانی و مضامینی که واژه‌ها و مقولات تحلیل محتوا در درون آن قرار دارد، امکان تحلیل محتوای بیانات آنان و مقوله‌بندی مورد نیاز این تحلیل محتوا فراهم آید. در این قسمت، نتایج این تحلیل محتوا به صورت کمی ارائه می‌شود.

الف) ابعاد اسلامی‌سازی از دیدگاه امام خمینی (ره)

به طور کلی امام خمینی (ره) در بیانات خود ۱۸۴۹ بار واژه‌های «دانشگاه» و «دانشگاهها» و ۵۳۶ بار «دانشگاهیان» و «دانشگاهی‌ها» را به کار برده‌اند. ۷۳ بار نیز واژگان مرتبطی چون: «دانشگاهیان، دانشگاهش، دانشگاهمان، دانشگاهند، دانشگاههاست، دانشگاهایتان، دانشگاههایش، دانشگاهی‌شان، دانشگاهی‌مان، دانشگاهی‌اش، دانشگاهیانی، دانشگاهی‌ای، دانشگاهی‌اش، دانشگاهی‌ما، دانشگاهی‌ها، دانشگاهی‌هاست و دانشگاهی‌های» در میان بیانات امام خمینی (ره) یافت می‌شود. همچنین ۷۲ بار نیز واژه «دانشکده» به صورتهای گوناگون در بیانات ایشان به کار رفته است. واژگان اختلاط دختر و پسر ۹ بار و دختر و پسر به تنهایی ۲۲ بار به کار رفته‌اند.

ب) ابعاد اسلامی‌سازی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای

بسان امام خمینی (ره)، نزد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز واژگان دانشگاه و دانشگاهیان پرکاربرد است. بر اساس محتوای نسخه سوم نرم‌افزار حدیث ولایت (۱۳۸۷)، ایشان در ۱۲۸ دیدار در مورد مفهوم دانشگاه سخن گفته‌اند. به طور کلی، در میان بیانات ایشان ۱۲۸۳ بار از واژه «دانشگاه» استفاده شده است. سایر واژگان مرتبط همچون: «دانشگاهها» ۶۰۰ بار و «دانشگاهی» ۳۴۳ بار به کار رفته است. واژگان مرتبط دیگری چون: «دانشگاهش، دانشگاهند، دانشگاههاست، دانشگاهمان، دانشگاههای‌تان، دانشگاههای‌شان، دانشگاههای‌مان، دانشگاههایند، دانشگاههای، دانشگاههایی، دانشگاهی، دانشگاهی‌اش، دانشگاهیان، دانشگاهی‌اند، دانشگاهیانند، دانشگاهید، دانشگاهی‌مان،

۲۰ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۳/سال سیزدهم، شماره ۳/ پاییز ۱۳۸۸

دانشگاهی‌ها و دانشگاهی‌هاست»، حدود ۱۲۵ بار مورد استفاده واقع شده‌اند. دو واژه دانشکده و دانشکده نیز ۴۰ بار در میان بیانات ایشان دیده می‌شوند. آمار داده‌های مرتبط با موضوع اسلامی‌سازی نیز جالب توجه و گویای توجه ایشان به دانشگاه با معیارهای اسلامی است. به طور مثال به موارد ذیل اشاره می‌شود:

دانشگاهی اسلامی: ۱۶ بار، دانشگاه مستقل: ۱ بار، اسلامی شدن دانشگاه: ۳ بار، اسلامی کردن دانشگاه: ۳ بار، علوم اسلامی: ۳۰ بار، علم اسلامی: ۲ بار، علم اسلام: ۲ بار، فکر اسلامی: ۲۲ بار، تفکر اسلامی: ۴۵ بار، متفکر اسلامی: ۱ بار، نظر اسلامی: ۱ بار، رشد: ۷۸۷ بار، ترقی: ۷۶ بار، علم: ۲۰۹۵ بار، توسعه: ۲۰۴ بار، رشد فکری: ۱۱ بار، رشد علم: ۵ بار، ترقی علمی: ۱ بار، تعالی فکری: ۵ بار، پیشرفت: ۱۵۵۰ بار، پیشرفت علمی: ۱۳۰ بار، رشد صنعتی: ۱ بار، رشد علم: ۵ بار، علم و دین: ۳۰ بار، دین و علم: ۳ بار، دانشگاه دینی: ۱ بار، فکر: ۲۰۳۱ بار، اندیشه: ۱۱۶ بار (و سایر مشتقات آن ۲۹۲ بار)، عقب‌ماندگی علمی: ۴ بار، نظریه‌پردازی: ۲ بار، چالش علمی: ۳ بار، علم: ۲۰۹۵ بار، علمی: ۲۱۴۳ بار (سایر مشتقات آن ۳۰ بار)، علما ۴۳۱ بار، علمای: ۵۹۶ بار، علمیه: ۶۷۰ بار، پیشرفت فرهنگی: ۱۱۸۴ بار، فرهنگی: ۱۵۰۲ بار (سایر مشتقات آن ۱۵۰ بار)، انقلاب: ۷۱۴۵ بار، انقلاب فرهنگی: ۶۸ بار، انقلاب علمی: ۱ بار، اصلاح دانشگاه: ۴ بار، علم و فرهنگ: ۱۶ بار، جنبش تولید علم: ۵ بار، نهضت تولید علم: ۳ بار، انتقاد از اختلاط دختر و پسر به عنوان یک خواسته غربی: ۱ بار.

ج) مقایسه رویکرد مبدعان به ایده اسلامی‌سازی و مطالعات فرهنگی
مؤلفه‌های جداول بعد، صفات و ویژگی‌هایی است که امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان دو مبدع ایده اسلامی‌سازی، در بیانات گذشته خود به ابعاد مختلف دانشگاه اسلامی مطلوب نسبت داده‌اند.

توزیع فراوانی مقولات اسلامی‌سازی دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای			امام خمینی (ره)			مقوله
رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد	
۲	۱۶.۵۳	۱۸۷	۳	۱۲	۹۰	موافقت با دانشگاه اسلامی
۸	۴.۰۶	۴۶	۱۳	۲.۷	۲۰	موافقت با دانشگاه مذهبی
۱۲	۱.۱۴	۱۳	۱۲	۲.۹۴۵	۲۲	موافقت با دانشگاه بومی (شرقی)
۴	۱۰.۶۹	۱۲۱	۶	۶.۱۵	۴۶	موافقت با دانشگاه متعهد به مردم ایران
۳	۱۱.۴۰	۱۲۹	۷	۵.۷۵	۴۳	موافقت با دانشگاه مستقل
۱۰	۲.۹۱	۳۳	۲	۱۲.۱۸	۹۱	مخالفت با دانشگاه وابسته و استعماری
۱۹	۰.۰۱۶	۱۹	۸	۵.۴۸	۴۱	مخالفت با دانشگاه غربی
۹	۳.۹۷	۴۵	۴	۸.۵۶	۶۴	مخالفت با دانشگاه مخرب
۷	۴.۱۵	۴۷	۵	۸.۴۳	۶۳	مخالفت با دانشگاه منحرف و فاسد
۱	۲۳.۳۴	۲۶۴	۸	۵.۴۸	۴۱	موافقت با دانشگاه متعهد به نظام
۱۰	۲.۹۱	۳۳	۹	۴.۸۱	۳۶	موافقت با دانشگاه استکبار ستیز و استبداد ستیز
۵	۶.۳۶	۷۲	۱۷	۰.۶۶	۵	موافقت با دانشگاه نوآور
۶	۵.۷۴	۶۵	۱	۱۳.۲۵	۹۹	موافقت با دانشگاه توأم بودن علم و دین در آن
۱۴	۰.۸۸	۱۰	۱۱	۳.۰۷	۲۳	موافقت با دانشگاه توأم بودن اخلاق با تلاش در آن
۱۳	۰.۹۷	۱۱	۱۴	۱.۲۰	۹	موافقت با دانشگاه توأم بودن تضارب آراء و افکار با سعه صدر در آن
۱۷	۰.۵۳	۶	۱۰	۴.۵۵	۳۴	موافقت با دانشگاه توأم بودن وحدت هدف با تنوع رشته‌ها در آن
۱۵	۰.۷۹	۹	۱۵	۱.۰۷	۸	موافقت با دانشگاه توأم بودن کار سیاسی با سلامت نفس در آن
۱۸	۰.۲۶	۳	۱۸	۰.۵۳	۴	موافقت با دانشگاه توأم بودن توجه به دنیا و آخرت در آن
۱۴	۰.۸۸	۱۰	۱۶	۰.۸۰	۶	موافقت با دانشگاه برخوردار از تعمق و ژرف‌نگری
۱۶	۰.۷۰	۸	۲۰	۰	-	موافقت با دانشگاه برخوردار از سرعت عمل
۱۱	۱.۵۹۱	۱۸	۱۹	۰.۲۶	۲	موافقت با دانشگاه اولویت ارزشها در آن
	۱۰۰	۱۱۳۱		۱۰۰	۷۴۷	جمع

۲۲ ♦ فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۳/سال سیزدهم، شماره ۳/ پاییز ۱۳۸۸

امام خمینی (ره) بیش از دیگر صفات، در اولویت اول تا سوم بر «توأم بودن علم و دین در دانشگاه»، «وابسته و استعماری نبودن دانشگاه» و «اسلامی بودن دانشگاه» تأکید داشته است. سه اولویت مهم آیت‌الله خامنه‌ای نیز به ترتیب: «متعهد بودن دانشگاه به نظام اسلامی»، «اسلامی بودن دانشگاه» و «مستقل بودن دانشگاه» است.

«دانشگاه نوآور»، «دانشگاهی که توجه به دنیا و آخرت در آن توأم باشد» و «دانشگاهی که سرعت عمل داشته باشد و ارزشها در آن اولویت داشته باشد»، اولویت پایینی در نگاه امام خمینی داشته است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز کمتر با صفت «دانشگاه غربی» مخالفت داشته، همچنین همانند امام خمینی کمتر بر «دانشگاهی که در آن توجه به دنیا و آخرت توأم باشد»، تأکید کرده است.

توزیع فراوانی مقولات علم اسلامی از دید امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای			امام خمینی (ره)			مقوله
رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد	
۲	۲۳.۲۳	۳۹۴	۱	۴۸.۲۲	۳۲۶	موافقت با علم اسلامی
۵	۵.۰۷	۸۶	۳	۱۲.۲۷	۸۳	موافقت با علم مذهبی
۳	۱۰.۹۶	۱۸۶	۷	۱.۱۸	۸	موافقت با علم بومی
۶	۵.۰۱	۸۵	۲	۲۰.۱	۱۳۶	موافقت با علم مفید برای مردم ایران
۱	۴۰.۰۹	۶۸۰	۶	۵.۰۲	۳۴	موافقت با علم مستقل
۹	۱.۷۰	۲۹	۴	۷.۲۴	۴۹	مخالفت با علم وابسته
۴	۷.۷۸	۱۳۲	۵	۵.۹۱	۴۰	مخالفت با علم غربی
۷	۳.۳۰	۵۶	۸	۰	—	مخالفت با علم فاسد و منحرف/تباهی
۸	۲.۸۳	۴۸	۸	۰	—	موافقت با علم متعهد به نظام
	۱۰۰	۱۶۹۶		۱۰۰	۶۷۶	جمع

در مورد صفات علم اسلامی، امام خمینی (ره) بیشتر به صفت اسلامی علم، سپس سودمندی علم برای مردم ایران و در اولویت سوم بر مذهبی بودن علم تأکید داشته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای اولویت اول را به صفت استقلال علم داده‌اند، سپس اسلامی بودن و سوم بومی بودن علم. نتایج توصیفی نشان می‌دهد چندان تفاوتی در توصیف علم از نگاه این دو مبدع وجود ندارد.

توزیع فراوانی مقولات دانشجوی اسلامی از دید امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای			امام خمینی (ره)			مقوله
رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد	
۳	۹.۰۷	۴۶	۴	۹.۴۳	۵	موافقت با دانشجوی اسلامی
۵	۴.۷۳	۲۴	۲	۱۸.۸۶	۱۰	موافقت با دانشجوی مذهبی (مکتبی)
۴	۸.۲۸	۴۲	۱	۲۴.۵۲	۱۳	موافقت با دانشجوی متعهد به مردم ایران
۲	۱۳.۲۱	۶۷	۵	۷.۵۴	۴	موافقت با دانشجوی مستقل
۷	۳.۳۵	۱۷	۷	۳.۷۷	۲	موافقت با دانشجوی استکبارستیز
۱	۵۰.۴۹	۲۵۶	۳	۱۵.۰۹	۸	موافقت با دانشجوی متعهد به نظام
۹	۱.۵۷	۸	۷	۳.۷۷	۲	موافقت با دانشجوی نوآور
۸	۲.۳۶	۱۲	۵	۷.۵۴	۴	مخالفت با دانشجوی غربی / غرب زده
۸	۲.۳۶	۱۲	۷	۳.۷۷	۲	مخالفت با دانشجوی وابسته
۶	۴.۵۳	۲۳	۶	۵.۶۶	۳	مخالفت با دانشجوی فاسد و منحرف
	۱۰۰	۵۰۷		۱۰۰	۵۳	جمع

در مورد صفات دانشجو، امام خمینی (ره) در اولویت اول بر «متعهد بودن دانشجو به مردم ایران» تأکید دارند. اما آیت‌الله خامنه‌ای اولویت اول را بر «متعهد بودن دانشجو به نظام اسلامی» داده‌اند. همچنین در نگاه امام خمینی (ره)، اولویت دوم «مذهبی بودن دانشجو» است، اما اولویت دوم از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای «مستقل بودن دانشجو» است. امام خمینی (ره) در اولویت سوم به «تعهد دانشجو به نظام» تأکید داشته‌اند و آیت‌الله خامنه‌ای، «اسلامی بودن دانشجو» را در این سطح تأکید کرده‌اند. نوآوری و استکبارستیزی دانشجو صفاتی هستند که از سوی مبدعان کمتر مورد تأکید قرار داشتند.

توزیع فراوانی مقولات استاد اسلامی از دید امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای			امام خمینی(ره)			مقوله
رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد	
۱	۲۷.۷۳	۶۶	۲	۱۳.۶۳	۶	موافقت با استاد اسلامی
۴	۱۳.۸۶	۳۳	۲	۱۳.۶۳	۶	موافقت با استاد مذهبی (مکتبی)
۳	۱۴.۷۰	۳۵	۴	۴.۵۴	۲	موافقت با استاد متعهد به مردم ایران
۵	۱۰.۰۸	۲۴	۲	۱۳.۶۳	۶	موافقت با استاد مستقل
۱۰	۱.۲۶	۳	۵	۰	--	موافقت با استاد استکبار ستیز
۲	۱۹.۷۴	۴۷	۲	۱۳.۶۳	۶	موافقت با استاد متعهد به نظام
۸	۲.۵۲	۶	۵	۰	--	موافقت با استاد نوآور
۷	۲.۹۴	۷	۳	۱۱.۳۶	۵	مخالفت با استاد غرب زده
۹	۲.۱۰	۵	۳	۱۱.۳۶	۵	مخالفت با استاد وابسته
۶	۵.۰۴	۱۲	۱	۱۸.۱۸	۸	مخالفت با استاد فاسد و منحرف
	۱۰۰	۲۳۸		۱۰۰	۴۴	جمع

در مورد صفات استاد یا اعضای هیئت علمی اسلامی، امام خمینی(ره) بیش از هر چیز با انحراف و فساد در اعضای هیئت علمی مخالفت کرده‌اند؛ در صورتی که آیت‌الله خامنه‌ای بیشتر با استاد اسلامی موافقت دارند. استاد اسلامی از نظر امام خمینی(ره) در اولویت دوم قرار دارد، اما اولویت سوم از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای متعهد بودن استاد به نظام اسلامی است. امام خمینی(ره) بیشتر بر نفی صفات منفی و آیت‌الله خامنه‌ای بر تأیید صفات مثبت تأکید داشته‌اند. نوآوری اعضای هیئت علمی کمترین فراوانی را نزد مبدعان داشته است.

۷. ارزیابی از ایده اسلامی‌سازی در مطالعات اسنادی

مطالعات اسنادی و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که دولت اسلامی تا حدودی در اسلامی‌سازی دانشگاه ناکام بوده است و دانشجویان با طرد هویت بخشی دولتی و با ارجاع به منابع هویتی دیگر که از سوی حاکمیت، بی‌ارزش تلقی شده یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۴)، به تشکیل هویت‌های جمعی مقاومت پرداختند؛ هویت‌هایی که از نظر نظام سیاسی عملاً انکار یا ضد

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ♦ ۲۵

ارزش تلقی شده است. در این راستا، برخی هویت‌های مبتنی بر تجدد، قومیت، جنسیت، مذهب و ... شکل گرفته‌اند. البته در میان تمام منابع هویتی قابل دسترس، دو منبع تجدد و قومیت، اصلی‌ترین منابع تشکیل‌دهنده هویت‌های جمعی دانشجویان در دهه اخیر هستند.

همواره فرهنگ دانشجویی، فرهنگی علیه وضع موجود است. دانشجویان با گرایش به سوی سبک‌های نامتعارف پوشش از سویی و با به چالش کشیدن باورهای رایج (مانند پیوند میان دین و سیاست) از سوی دیگر، به مقابله با سیاست‌های فرهنگی رسمی نظام سیاسی برمی‌خیزند (kazempour, 2003, P.347). ظهور برخی هویت‌های جمعی مقاومت که حول منابع هویتی مخالف دولت سامان می‌گیرند و شکل‌گیری جریان فرهنگی علیه وضع موجود، بخشی از ناکامی دولت در این عرصه است.

عواملی در ناکامی نسبی دانشگاه تأثیرگذار بوده که برخی از آنها عبارتند از: تضعیف چهره ایدئولوژیک دولت، پایان جنگ و ارتحال امام خمینی (ره)، خروج نیروهای چپ از هیئت حاکمه و عرصه سیاسی و مدیریتی کشور و خروج نیروهای ایدئولوژیک از دانشگاهها مثل دفتر تحکیم وحدت و برخی از روشنفکران. همچنین، تأثیر تحولات نظام جهانی، فروپاشی بلوک شرق و تضعیف ایدئولوژی مارکسیستی، تأثیر مهمی در عرصه داخلی ایران گذاشت و آرای ایدئولوژیک جناح چپ حاکمیت را متحول و فضای نقد ایدئولوژی را فراهم کرد. بدین‌سان، زمینه گسترش روشنفکری لیبرال - اسلامی فراهم شد که به نقد ایدئولوژیک شدن دین تمایل داشت. تضعیف چهره ایدئولوژیک دولت، کاهش فشار ایدئولوژیکی دولت بر جامعه و دانشگاه و دگرگونی فضای دانشگاه را در پی داشت. این تحول در چند مسئله قابل مشاهده بود:

اول، تغییر شرایط شرکت در کنکور و کم‌رنگ شدن معیار سیاسی در گزینش دانشجویان؛

دوم، رشد و گسترش حوزه عمومی در سطح جامعه، دانشگاه و امکان فعالیت آزاد؛

سوم، اهمیت بیشتر تخصص نسبت به تعهد در مدیریت دانشگاهها؛

چهارم، فراهم شدن فضای رشد و گسترش مدیریت علمی به جای مدیریت مکتبی با خروج

نیروهای چپ از دانشگاه که این امر منجر به قدرت‌یابی مخالفان اسلامی‌سازی دانشگاه شد.

این روند در دوره اصلاحات روند شتابانی یافت. رشد کمی مراکز آموزشی و افزایش تعداد

دانشجویان در این بین، باعث تقویت طبقات متوسطی شد که سنخیت ایدئولوژیکی چندانی با

حاکمیت نداشتند. گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ناتوانی دولت در کنترل اطلاعات،

یکی از دلایل دیگر ناکامی دولت در اسلامی سازی دانشگاههاست. در این میان، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، موتور محرکه جهانی شدن تلقی می شود؛ اگر اقتصاد اولین عرصه خودنمایی پدیده جهانی شدن است، عرصه فرهنگ نشانگر عمیق ترین تحولات ناشی از این پدیده است. در فرهنگ به مثابه مجموعه باورها، ارزشها، هنجارها و کالاهای مادی و معنوی بشر که در یک دوره زمانی و مکانی خاص تولید می شود، جهانی شدن بر تمام ابعاد زیستی انسان تأثیر می گذارد. با استفاده از مطالعات اسنادی در سطح خرد، برخی از نقاط آسیب پذیر جریان اسلامی سازی دانشگاه به ترتیب ذیل مطرح شده است:

۱. فقدان نظام ارزیابی عملکرد جریانات اسلامی ساز بر اساس نتیجه تلاشها؛
۲. جابه جایی مداوم مدیریت در اجرای برنامه های راهبردی؛
۳. مدیریت متکی بر آمار و ارقام سازی؛
۴. بی حرمتی به دانشگاهیان؛
۵. شعارگرایی، حاکم کردن روحیه سیاسی کاری و عدم برنامه ریزی دقیق؛
۶. عدم تأمین منابع و هزینه لازم در حوزه آموزش و پژوهش؛
۷. تضعیف هویت دانشگاه و لوث شدن اعتبار و منزلت دانشگاه و تبدیل آن به کارخانه مدرک سازی؛
۸. فقدان شجاعت لازم برای پذیرش خطاها و شکستها در بحث اسلامی سازی دانشگاه؛
۹. تأکید کمتر بر اسلامی سازی جامعه به موازات حرکت آرمانی در دانشگاه؛
۱۰. تکیه بر کنترل اخلاقی سیاسی دانشگاه؛ (سلیمی، ۱۳۷۶، ص ۹۸)
۱۱. عدم تبیین درست دین برای دانشگاهیان؛
۱۲. ورود افراد غیر متعهد و غیر متخصص به بدنه دانشگاهها؛
۱۳. وضعیت نامطلوب کتابها و منابع درسی. (مروئی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲-۱۰۹)

۸. پیشنهادهای تحقیق

الف) راهکاری اساسی برای توجیه و همراهی استادان با ایده اسلامی سازی اندیشیده شود. یک ایده این است که در اسلامی سازی دانشگاه به مؤلفه های عام توجه شود. دانشگاه، دانشجو، استاد و علم مذهبی، اسلامی، غیر وابسته و متعهد به نظام اسلامی، مورد توجه دانشگاهیان نیست. اما دانشگاه نوآور، بومی، کمک کننده به ایران و دانشگاه ژرف نگر، در نگاه دانشگاهیان اولویت دارد.

دانشگاهیان، دانشگاه را برای مردم ایران و کشور می‌خواهند. این ویژگی‌ها در ذات دین و مذهب نیز وجود دارد و عام است.

ب) دانشگاهیان، اسلامی‌سازی دانشگاه را به عنوان پدیده‌ای در کنار دانشگاه غیر اسلامی می‌پذیرند و نه جایگزین آن. اسلامی‌سازی دانشگاه به سبک حضرت امام جعفر صادق (ع) باید به گونه‌ای باشد که هر نوع سؤال و نظر و انتقاد و رویه دیگری هم اجازه بروز و ظهور داشته باشد.

ج) برای اسلامی‌سازی در جهت ارزشهای ملی و ایرانی و ارزشهای اصیل و عام اسلامی، برنامه‌ریزی شود؛ مثل معماری سنتی در ساختن مراکز آموزشی، اشاعه تفکر و ارزشهای اینارگری و معنویت دفاع و ایثار و شهادت.

د) متولیان اسلامی‌سازی اگر از مصائب دانشگاههای غیر اسلامی تبلیغ کنند، نتیجه عکس خواهند گرفت؛ چرا که از نظر دانشگاهیان، دانشگاههای غیر اسلامی فلاکت‌بار نیستند. بنابر این، باید این جهت‌گیری اصلاح شود.

ه) مشارکت دانشجویان در برنامه‌های فرهنگی، بالا بردن کیفیت آموزشی دانشگاه، ارتقای نظام پژوهشی دانشگاه و تقویت رابطه محتوای آموزشی دانشگاه با نیازهای جامعه، به تحقق منظور مبدعان در اسلامی‌سازی کمک می‌کند.

و) شناخت ریشه‌های اختلاف در میان تشکلهای دانشجویی و اصلاح آن، همچنین ایجاد هماهنگی میان تشکلهای فرهنگی و سیاسی دانشجویی با دانشگاه، از سوی برخی محققان توصیه شده است.

ز) برخورد مناسب مسئولان و دولتمردان با منتقدان، ارتقای دانش سیاسی دانشجویان، فراهم آمدن احساس امنیت و فضای باز سیاسی، آگاهی دانشجویان و استادان از سیاستهای نظام، برخورد منطقی و حفظ احترام شخصیتها در برخورد اندیشه‌ها، مشخص شدن اهداف سیاسی کردن دانشگاهها برای دانشجویان و استادان، جلوگیری از به کارگیری افراد متملق و جلوگیری از حذف نیروهای دلسوز و متعهد، از دیگر الزامات اسلامی‌سازی دانشگاه به شمار می‌روند.

منابع

۱. بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴)، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. «پاره‌ای از عوامل کم‌رنگ شدن مبانی دینی در دانشگاهها» (۱۳۸۱)، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۴ (پاییز)، صص ۵۵-۳۹.
۳. *حدیث ولایت* (۱۳۸۷)؛ تهران، بنیاد تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
۴. خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۵)؛ «بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاهها در ایران (با رویکرد سیاستگذاری فرهنگی)»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال دهم، ش ۳۱ و ۳۲، صص ۸۱-۱۲۲.
۵. *دانشگاه و دانشگاهیان از نظر امام* (۱۳۸۳)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۲)؛ *دانشگاه و دین در ایران، بررسی پیمایشی دانشگاههای دولتی*، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۷. زراعت، عباس (۱۳۷۶)؛ «راههای اسلامی کردن دانشگاهها»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال اول، ش ۱، صص ۴۸-۴۴.
۸. زیباکلام، صادق (۱۳۸۰)؛ *دانشگاه و انقلاب*، تهران، روزنه.
۹. سلیمی، مصطفی (۱۳۷۶)؛ «طرح تحقیقی به سوی دانشگاه اسلامی»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال اول، ش ۳، صص ۹۸-۹۴.
۱۰. عبدالله، عبدالمطلب و مسعود جعفریان (۱۳۸۱)؛ «الگوهای رفتاری و مذهبی دانشجویان در دوران تحصیل»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۴، صص ۱۸۲-۱۵۹.
۱۱. علی‌احمدی، حسین (۱۳۸۱)؛ «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۴، صص ۳۸-۲۳.
۱۲. کاشانی، مجید (۱۳۸۴)؛ «تحلیل راهکارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاهها»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶، صص ۴۶-۱۳.
۱۳. گلکار، سعید (۱۳۸۶)؛ «بررسی رابطه نظام پهلوی و دانشگاه در ایران»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال یازدهم، ش ۳ (۳۵)، صص ۱۵۷-۱۲۶.

بررسی تطبیقی رویکردهای نظری مبدعان اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران ♦ ۲۹

۱۴. گلکار، سعید (۱۳۸۷)؛ **دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب**، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. لزومی، حسن (۱۳۷۶)؛ «نقاط آسیب‌پذیری دانشگاه‌ها و ارائه برخی راهکارها»، **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، سال اول، ش ۲، صص ۱۰۳-۹۰.
۱۶. مروتی، سهراب (۱۳۷۶)؛ «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، سال اول، ش ۳، صص ۱۱۲-۱۰۹.
۱۷. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)؛ «کاستی‌های اسلام‌گرایانه در متون دانشگاهی»، **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶، صص ۱۳۸-۱۱۳.
۱۸. نبوی، سید عباس (۱۳۸۰)؛ «حوزه و دانشگاه به سوی وحدت راهبردی»، **فصلنامه دانشگاه اسلامی**، سال دوم، ش ۷، صص ۱۵-۱.
۱۹. هاشم‌زهی، نوروز (۱۳۸۰)؛ **تحلیلی بر حرکتهای دانشجویی در ایران (تا سال ۱۳۷۷ ه.ش)**، تهران، پژوهشکده فرهنگ و معارف.
20. Kazempour, Abdol Mohammad (2003). "Religious Life Under Heocracy, The Case of Iran", *Journal for the Scientific Study of Religious*, 42:3, P.347-367.